



بررسی و مقایسه مضامین سیاسی و اجتماعی اشعار معروف الرصافی و پروین اعتصامی در نقاشی معاصر

کیامرث زنگنه بندانی^۱، محمدجواد اسماعیل غانمی^۲، یابردلفی^۳

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران، k.zanganeh5858@gmail.com

^۲ (نویسنده مسئول) استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران، m.j.e.ghanemi@iauabadan.ac.ir

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران، dr.delfi@iauabadan.ac.ir

چکیده

در باب نسبت میان اندیشه سیاسی و شعر، می‌توان شاعران را به سه گروه تقسیم کرد. شاعران سیاست‌پرداز و احياناً مبارز یا حزبی، شاعران فارغ از دغدغه‌های سیاسی و سرانجام شاعرانی که گرچه مشخصاً در شمار شاعران سیاسی شناخته نشده‌اند و مکتب و ایدئولوژی و گرایش سیاسی یا حزبی خاصی نیز ندارند، اما گاه بیش از دو گروه نخست، بازتابنده مسائل و مشکلات اجتماعی و سیاسی عصر خود و بازگوکننده دردها و محرومیت‌های جامعه و مردم خویش هستند. پروین اعتصامی را باید در شمار گروه اخیر دانست، البته شعر زمانه رصافی در عراق، خاصیت ضداستبدادی آن است. در پژوهش حاضر واکاوی پاره‌ای از مضامین سیاسی و اجتماعی مشترک در شعر معروف رصافی شاعر معاصر عراقی و پروین اعتصامی شاعر معاصر فارسی وجهه همت قرار گرفته‌است. این پژوهش که با روش توصیفی تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای گوناگون و به‌ویژه تأکید بر دیوان دو شاعر مذکور صورت گرفته‌است، قصد دارد که به تبیین و موشکافی مؤلفه‌های مشترکی مانند فقر و تنگدستی، وطن‌پرستی و استبدادستیزی که این دو شاعر تحت‌تأثیر شرایط حاکم بر جامعه خود بررسی کرده‌اند، بپردازد. همچنین بازتاب این مضامین سیاسی و اجتماعی در نقاشی معاصر نیز مشهود است؟

اهداف پژوهش:

۱. بررسی و مقایسه مسائل سیاسی و اجتماعی از دیدگاه پروین اعتصامی و معروف الرصافی.

۲. بررسی اوضاع سیاسی، ادبی و اجتماعی در نقاشی معاصر ایران.

سؤالات پژوهش:

۱. مسائل سیاسی و اجتماعی در اشعار پروین اعتصامی و معروف الرصافی چگونه بازتاب یافته است؟

۲. اوضاع سیاسی، ادبی و اجتماعی در نقاشی معاصر ایران چگونه منعکس شده است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۰

دوره ۲۰

صفحه ۷۷۷ الی ۷۹۶

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱

تاریخ داوری: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۰۱

کلمات کلیدی

شعر سیاسی،

شعر اجتماعی،

معروف الرصافی،

پروین اعتصامی.

ارجاع به این مقاله

زنگنه بندانی، کیامرث، اسماعیل غانمی،

محمدجواد، دلفی، یابر. (۱۴۰۲). بررسی و

مقایسه مضامین سیاسی و اجتماعی اشعار

معروف الرصافی و پروین اعتصامی در

نقاشی معاصر. مطالعات هنر اسلامی،

۲۰(۵۰)، ۷۷۷-۷۹۶.



dorl.net/dor/20.1001.1.*

***** ** ** */



dx.doi.org/10.22034/IAS

.۲۰۲۳.۳۹۱۴۷۲.۲۱۸۳

مقدمه

ادبیات تطبیقی رشته‌ای از مطالعات ادبی در جهان است که معادل فرانسوی این اصطلاح «la littérature compare» و معادل انگلیسی آن «comparative literature» است. تعریف اصطلاح ادبیات تطبیقی را در اروپا اولین بار، ناقد فرانسوی به نام ویلمن، به کار برد و پس از آن شارل _ آگستون سنت‌بوو، منتقد مشهور فرانسوی آن را ترویج داد و استعمال نمود. اما ادبیات تطبیقی که ویلمن و سنت‌بوو از آن سخن به میان آورده‌اند، شیوه و روش علمی مشخص و معینی نداشته و در واقع نوعی مقایسه بین شاعران ممالک مختلف بوده است. بعدها محققان ادبیات تطبیقی، روش‌ها و شیوه‌های تطبیق و مقایسه را که دانشمندان علوم تجربی در طبقه‌بندی جانداران مورد استفاده قرار می‌دادند، در ادب نیز به کار بردند و قواعد و اصول ادبیات تطبیقی را براساس آن بنیاد نهادند. «ادبیات تطبیقی سخن از پیوند ادبیات دو یا چند ملت با یکدیگر است. در تعریفی کوتاه، ادبیات تطبیقی عبارت است از مطالعه تاریخ روابط ادبی بین‌المللی» (گویارد، ۱۳۷۴: ۲۱). ادبیات تطبیقی از فرانسه در قرن نوزدهم آغاز شد. مکتب فرانسوی در پی شناخت همانندی میان ادبیات گوناگون در زبان‌های مختلف است، اما مکتب آمریکایی به تأثیر آثار ادبی با دیگر دانش‌ها مانند موسیقی، فلسفه، روان‌شناسی، علوم اجتماعی و... می‌پردازد. «گستره‌های ادبیات تطبیقی متنوع و گوناگون است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها مقایسه انواع ادبی مانند قصه، نمایشنامه، مقاله و... میان ادبیات ملت‌ها است» (جمال‌الدین، ۱۳۸۹: ۹).

«آن‌گاه که شاعر از مشاهده درد و کمبودهای موجود در جامعه و شرایط سخت و نابسامان زندگی به تنگ می‌آید، این احساس درونی را تنها در قالب شکایتی سوزنده و تأثیرگذار بیان می‌کند» (الوایی، ۱۹۷۸: ۲۴۸). پس شایسته است که شاعر پیش از هر چیز، به زندگی هم‌نوعان و اطرافیان خویش و دردهای آن‌ها توجه داشته باشد و شعر خود را وسیله‌ای برای دفاع از حقوق اجتماعی آن‌ها و نیز آینه‌ای جهت انعکاس معایب و کاستی‌های آن‌ها قرار دهد. در ادبیات معاصر عراق «معروف رصافی» نمونه کامل این دسته از شاعران است؛ چراکه قلبش سرشار از عواطف و احساسات انسانی است و نمود این حالت در جای‌جای دیوان وی تجلی یافته است؛ به‌عنوان نمونه آنجا که مردمان را به ترحم و مهربانی با یتیمان و مظلومان فرامی‌خواند و از امور غیراخلاقی برحذر می‌دارد و نیز زمانی که روی آوردن به کسب علم و دانش و توجه به حقوق و مسائل زنان را از جمله اقدامات لازم جهت پیشرفت معرفی می‌کند (ضیف، ۱۹۵۹: ۶۲). در ادبیات فارسی «پروین اعتصامی» شاعر معاصر و همتای معروف رصافی نیز «شاعری است با روحیه‌ای لطیف و طغیانگر بر علیه ظالم که این مبارزه و ستیز در تمامی اشعار وی متبلور گشته و دل او را در همه‌جا با مستمندان همراه ساخته است» (نمیمی، ۱۳۶۲: ۱۳)، شعر وی با مضامین نو و با علاقه و دلسوزی به حال بینوایان ممتاز است؛ او مدافع حقوق رنجبران و رنج‌دیدگان و شریک درد و غم زحمت‌کشان و کشاورزان و در یک کلام سخنگوی پرشور و پابرجای تیره‌بختان است. البته افکار پیروان مکتب سوسیالیسم در آثار او تأثیر دارد، اما این تأثیر، گذرا و ناپیدا است. همچنین این شاعر به فساد حاکم بر جامعه آگاه است و می‌داند که تا دنیا دنیاست «توانگران غم مسکین نخواهند خورد» (آرین‌پور، ۱۳۸۲: ۵۴۱ - ۵۴۲).

یکی از موضوعاتی که در شعر عراق قرن ۱۹ تجلی یافت شکایت شاعر از جور و ستم موجود در جامعه و خواری فراوانی بود که بر پاره‌ای از اقشار وارد می‌شد که این گلایه و احساس درونی شاعران ریشه در نوعی احساس نگرانی درونی در وجود آن‌ها دارد که خود را در قالب گلایه از موضوعات مختلف نشان داده است. ناگفته نماند که «ریشه این نگرانی درونی در اضطرابات و اوضاع نابسامان سیاسی حاکم بر آن روزگار، وجود فاصله طبقاتی، نبودن امنیت و ثبات جامعه، سختی شرایط زندگی و امرارمعاش است» (الوائلی: ۳۰۵)؛ که در دوران زندگی پروین اعتصامی نیز شرایط مشابهی حاکم بود. از به توپ بستن مجلس به دست «محمدعلی‌شاه» گرفته تا به سلطنت رسیدن «احمدشاه» کودک و سرانجام استبداد رضاخان که در صفحات بعد به تفصیل بیان شده است.

در رابطه با ضرورت انجام این تحقیق باید اذعان کرد که با شناخت اهمیت این موضوع، بررسی و مقایسه مضامین شعری رصافی و پروین به درک و شناخت دقیق‌تر ما از افکار این دو شاعر و همچنین جایگاه آن‌ها کمک کرده‌است؛ در نتیجه آن امکان آشنایی بیشتر با ادبیات و عصر نهضت در کشورهای عربی و عصر مشروطه و پهلوی در ایران فراهم خواهد شد. از جمله مقالاتی که با محوریت اشعار معروف رصافی تدوین شده، می‌توان به مقاله «زن از دیدگاه ملک الشعراء بهار» و «معروف الرصافی» از ناصر محسنی‌نیا و فاطمه دانش و نیز مقاله «التزام در شعر معروف الرصافی» از محمود شکیب انصاری، مقاله «المفارقة الدینیة فی شعر الرصافی» از حمید ولی‌زاده و همکاران و نیز مقاله «بررسی تطبیقی تجلی عشق به میهن در اشعار فرخی یزدی و معروف الرصافی» از محمودرضا توکلی محمدی اشاره کرد. از جمله مقالاتی که درباره‌ی اشعار پروین اعتصامی نوشته شده است باید مقاله «مضامین اجتماعی در اشعار پروین اعتصامی و احمد صافی النجفی» نوشته‌ی رمضان رضایی، مقاله «نقد ساختاری اشعار پروین اعتصامی» از محمدمامیر عبیدی‌نیا و طاهر لاوژه و نیز مقاله «بازتاب مضامین اعتقادی در شعر پروین اعتصامی» از یونس شجاعی و فاطمه مدرس، «زن از دیدگاه پروین اعتصامی و باحثه البادیة» از حامد صدقی و مقاله «خانواده و مناسبات خانوادگی در دیوان پروین اعتصامی» از مریم‌السادات اسعدی فیروزآبادی را نام برد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در هیچ‌یک از پژوهش‌های مذکور نویسندگان به بررسی تطبیقی اشعار معروف رصافی با اشعار پروین اعتصامی نپرداخته‌اند و عدم بررسی تطبیقی اشعار این دو شاعر در پژوهش حاضر، یکی از جنبه‌های نوآوری آن به‌شمار می‌رود.

۱. زندگی‌نامه معروف رصافی

«معروف عبدالغنی الرصافی» در سال ۱۸۷۵م در بغداد به دنیا آمد و در محضر «شیخ محمود شکر الالوسی» به شاگردی پرداخت. نام رصافی با حوادث سیاسی و اجتماعی سال‌های نخستین قرن بیستم تاریخ عراق پیوند خورده است و در اشعار وی نشانه‌های عمیقی از استمرار فعالیت‌های فکری و سیاسی به چشم می‌خورد. این شاعر در برابر گرایش‌های سیاسی مختلفی که در آن روزگار در بغداد حاکم بود، یعنی گرایش به حکومت عثمانی یا حکومت بریتانیا، سخت مقاومت کرد و جانب میهن را گرفت. نفس سرکش وی او را از سازگاری با آنچه که درخور شخصیت خود نمی‌دید، منع می‌کرد (جیوسی، ۲۰۰۷: ۲۵۲). «رصافی شاعر جامعه و سیاست بود و این امر ریشه در شرایط خاص

روزگار این شاعر دارد که وی را به سمت وسوی توجه به امور مربوط به وطن و مردم به طور عام و موضوعاتی مانند آزادی اندیشه، ترویج دانش، مبارزه با بی‌سوادی و تلاش برای ریشه‌کن کردن آن، رسیدگی به امور زنان و گشودن افق‌های پیشرفت و شکوفایی استعدادها و تقویت احساس خودباوری و اعتماد به نفس در آن‌ها، گسترش عدالت و برافراشتن پرچم برابری میان تهی‌دستان و ثروتمندان در جامعه. وی در رسیدگی به امور تهی‌دستان و نیازمندان تا حدی تلاش کرد و احوال آن‌ها را در اشعار خود انعکاس داد و از همین رو به «شاعر البؤساء» ملقب گشت» (فاخوری، ۱۹۸۶: ۴۸۸).

۲. زندگی‌نامه پروین اعتصامی

پروین اعتصامی در ۲۵ اسفند ۱۲۸۵ هجری شمسی در تبریز دیده به جهان گشود و آموختن و نوشتن به زبان فارسی و عربی را در دامان خانواده آموخت (طباطبایی اردکانی، ۱۳۷۶: ۵). این شاعر در سال ۱۲۹۱ ش به همراه پدر به تهران آمد. پدر وی انسانی روشنفکر و تحصیل‌کرده بود و این امر نقش مهمی در پیشرفت پروین داشت (یاحقی، ۱۳۷۵: ۱۶۲). وی از همان کودکی به سرودن شعر علاقه زیادی داشت و پدرش که سردبیر مجله «بهار» بود برخی از شعرهای او را در این مجله نشر می‌داد (آرین‌پور، ۱۳۸۲: ۵۴۰)؛ همین امر تشویق بزرگی برای پروین بود تا با اشتیاق بیش‌تری راه شعر را ادامه دهد. از دیگر عوامل تقویت ذوق و استعداد شاعری پروین، رفت‌وآمد وی به محافل ادبی آن روزگار بود که پدرش با آن‌ها سروکار داشت (یاحقی، ۱۳۷۵: ۱۶۲ - ۱۶۳). پروین در دوره‌ای به کمال قدرت ادبی رسید که پرده سیاه دیکتاتوری بر سراسر ایران کشیده شده بود. در سیمای نفرت‌بار آن دوران چیزی جز تسلط زور و غلبه حرص و رواج دروغ دیده نمی‌شد و هیچ‌کس بر جان و مال و شرف و ناموس خویش ایمنی نداشت. پرواضح است که این وضع اسفبار نمی‌توانست در روح شاعر و سخن‌نغز او اثر نکند؛ از این رو، فشار جور و ستم بی‌حدی که بر مردم وارد شده بود پروین را خرد کرد و نگاه او را از زندگی، شادی و شگفتی‌آفرینش منحرف ساخت. از آن گذشته، تربیت ادبی و اخلاقی پروین در سایه پدر ادیبی همچون یوسف اعتصامی او را از کودکی زیر سایه عرفان قرار داد و برای بروز روح بدبینی و روی‌گردانی از جهان زمینه مساعدی را در او به وجود آورد و این گرایش به شدیدترین شکل با اوضاع نابسامان زمان او هماهنگ و موافق شد (نمیمی، ۱۳۶۲: ۳۲ - ۳۳).

پروین بیش‌تر وقت خود را با خواندن سروده‌های ناصر خسرو، سعدی، سنایی و خیام می‌گذراند و در هنگام سرودن اشعار خود نیز گاهی آگاهانه یا ناآگاهانه تحت تأثیر مضمون و الفاظ اشعار شاعران مذکور قرار می‌گرفت و به‌طور کلی هم پیرو سبک خراسانی بود و هم سبک عراقی (یزدانی، ۱۳۸۳: ۱۳)؛ به‌عنوان مثال، تأثیر وی از سعدی به‌ویژه در پند و اندرز و آوردن نکات اخلاقی است به‌علاوه پروین بیش‌تر مضمون‌های سعدی را در بوستان گرفته و پرورده است (طباطبایی اردکانی، ۱۳۷۶: ۱۷۹).

۳. اوضاع سیاسی و اجتماعی عراق در زمان معروف رصافی

بررسی وضعیت اجتماعی عراق در قرن نوزدهم امری بسیار دشوار است. دلیل این امر نیز آن است که تاریخ‌نگارانی که به ثبت و ضبط تاریخ عراق در این دوره پرداخته‌اند، تصویر ملموس و آشکاری از وضعیت اجتماعی عراق ارائه نداده‌اند و پرداختن بیش از حد به مسائل سیاسی، آن‌ها را از ترسیم صحیح و کامل اوضاع اجتماعی غافل کرده است (الوائلی، ۱۹۷۸: ۷۶). در روزگار رصافی، اوضاع اجتماعی عراق بسیار نابسامان بود. به این صورت که بیش‌تر مردم در بی‌سوادی به سر می‌بردند و تنگدستی بر زندگی بیش‌تر آن‌ها سایه افکنده بود. نظام اقطاعی که بر جامعه حاکم بود، بر این فقر و تنگدستی دامن می‌زد (شکیب انصاری، بی‌تا: ۶۶). رصافی بسیار تلاش می‌کرد که مردم را از خواب غفلت بیدار کند و از خمودگی به سمت تلاش و پیشرفت سوق دهد (الخیاط، ۱۹۸۷: ۷۲). با نگاهی به آثار رصافی راستی این سخن آشکار می‌گردد؛ چراکه وی مانند یک معلم و اصلاح‌گر اجتماعی و رهبر گروه ظاهر شده و شعر را وسیله‌ای برای محقق ساختن اهداف اصلاحی خود جهت آگاهی مردم از وضعیت اسفبار موجود و تلاش برای رفع آن به‌کار گرفته است. برای رصافی و دیگر شاعران نیمه اول قرن نوزده که دارای گرایش‌های اصلاح‌گراانه و اجتماعی بودند، شعر وسیله‌ای جهت آگاهی و بیداری مردم و تشویق و تحریک آن‌ها برای پیشرفت و آبادانی مملکت بود؛ در عوض مردم نیز به شعر علاقه زیادی نشان می‌دادند و آن را حفظ می‌کردند؛ زیرا عواطف آن‌ها را تحریک کرده و روحیه حماسی و آن‌ها را برمی‌انگیخت. در شعرهای رصافی نوعی گرایش عقلانی حاکم است و بیش‌تر جانب لفظ و شکل را فرو گذاشته و به مضمون و محتوا اهمیت داده است (الخیاط، ۱۹۸۷: ۷۹). این شاعر در حقیقت معنی را در درجه اول اهمیت و لفظ را در مرتبه پایین‌تر از معنی مورد توجه قرار داد» (الخالص، ۱۹۵۹: ۷)؛ از این‌رو، برخی بر این باورند که شعر او شعری مطبوعاتی و در حقیقت سرمقاله‌ای منظوم است (الخلوصی، ۱۹۶۱: ۳).

۴. اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در زمان پروین اعتصامی

عصری که پروین در آن زندگی می‌کرد، عصر تحول و دگرگونی بود. روشنفکران و نویسندگان در آن زمان تلاش می‌کردند که با نوشتن مقالات یا سرودن اشعار، ذهن مردم را برای یک انقلاب آماده کنند تا مردم در برابر حکومت استبدادی ساکت نباشند و تن به جور و ستم بیگانگان ندهند. درست در همان سالی که پروین به دنیا آمد، مظفرالدین‌شاه فرمان مشروطه را امضا کرد. پنج ماه پس از صدور فرمان مشروطه، «مظفرالدین‌شاه» درگذشت و پس از وی، پسرش محمدعلی میرزا به پادشاهی رسید. محمدعلی مخالف مشروطه و مجلس بود و به دنبال اختلافاتی که بین مشروطه‌خواهان به وجود آمد، مجلس را به توپ بست (یزدانی، ۱۳۸۳: ۸۴)؛ سپس دستور داد عده‌ای از آزادی‌خواهان را به قتل برسانند. مردم تهران و تبریز با شنیدن خبر به توپ بستن مجلس دست به شورش زدند. محمدعلی میرزا به سفارت روسیه پناه برد و در سال ۱۲۸۸ش پسرش احمد میرزا به سلطنت رسید و در سال ۱۳۰۴ از مقام پادشاهی عزل شد (طباطبایی اردکانی، ۱۳۷۶: ۲۸ - ۲۹).

در دوران قاجاریه، ایران بسیار ناتوان شد. بی‌کفایتی و استبداد سلاطین در مقابل ترقی دنیای غرب این ناتوانی را دامن می‌زد. در میان دو همسایه دور و نزدیک اروپایی طماع و آگاه، ایران زمینه تاخت و تاز شد (نمیمی، ۱۳۶۲: ۱۱۰). «سرانجام پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ «رضاخان» فرمانده کل قوا شد و در سال ۱۳۰۴ به پادشاهی ایران برگزیده شد. استبداد رضاخان زندگی را بر مردم سخت کرده بود و در این میان جنگ جهانی اول دردسر بزرگ‌تری بود که گریبان‌گیر مردم ایران شده بود. دخالت‌های انگلیس و روسیه نیز استقلال کشور را به خطر می‌انداخت. در همین دوره «ملک‌الشعراى بهار» به‌خاطر سخنان آزادی‌خواهانه تبعید شد و «میرزاده عشقی» به‌خاطر سرودن اشعار وطنی و سیاسی کشته شد. تهی‌دستی، بی‌سوادى و بدتر از همه استبداد رضاخانى همانند جغدى شوم بر سر ملت ایران سایه افکنده بود و پروین هم که در چنین جامعه‌ای زندگی می‌کرد، به‌خوبی می‌دانست که اگر دست از پا خطا کند یا همانند «بهار» تبعید می‌گردد و یا همچون «میرزاده عشقی» کشته خواهد شد (یزدانی، ۱۳۸۳: ۸۵). حتی گفته شده است که رضاخان می‌خواست او را ندیمه ملکه کند اما پروین از این کار سر باز زد (طباطبایی اردکانی، ۱۳۷۶: ۳۰). با چنین اوضاعی پروین که خواه ناخواه تحت‌تأثیر محیط اطراف خود قرار داشت، نه می‌توانست خود را به غفلت و بی‌خبری بزند و از درد و رنج مردم جامعه خود سخن نگوید و نه می‌توانست بی‌محابا از آزادی‌اندیشه و افکار سخن بگوید؛ بنابراین تصمیم گرفت که همانند شاعران معاصر خود از جور و ستم انتقاد و بی‌عدالتی را محکوم کند و همچنین بر پادشاهان و ستمگران زمان بنازد، اما نه به شیوه شاعران و نویسندگان زمان خود، بلکه به شیوه‌ای از حق مردم دفاع می‌کرد که باعث شک دیگران نمی‌شد. البته هر انسان دوراندیشی با خواندن سروده‌های پروین متوجه انتقاد او از جور و ستم زمانه‌اش می‌شد. سخن او مربوط به زمان خاصی نبود؛ به همین دلیل کسی که پروین را نمی‌شناخت و نمی‌دانست که او در چه دوره‌ای زندگی می‌کرد، با خواندن اشعارش فکر می‌کرد او شاعری است که در یکی از قرن‌های پنجم یا نهم زندگی می‌کرد و به سبک خراسانی یا عراقی شعر می‌سرود (یزدانی، ۱۳۸۳: ۸۶؛ نمیمی، ۱۳۶۲: ۱۴۵).

۵. تطبیقی مضامین مشترک سیاسی و اجتماعی در شعر معروف رصافی و پروین اعتصامی و انعکاس

آن در نقاشی معاصر

بستر جغرافیایی مشترک و نزدیک هرچند که در دو کشور متفاوت، باشد می‌تواند حاوی نزدیکی فکری در باورها و اندیشه‌های اجتماعی سیاسی باشد که این موضوع در مورد دو شاعر موردنظر در این پژوهش نیز صادق است و پس از مطالعه اشعار معروف رصافی و پروین اعتصامی دریافتیم که مضامین اجتماعی متعددی در اشعار هر دو شاعر بسامد زیادی دارد و پژوهشگران می‌توانند این مضامین را دست‌مایه پژوهش خود قرار دهند و بدون شک مقوله مکان نیز نقش به‌سزایی در روابط اجتماعی دارد؛ همان‌طور که النصیر می‌گوید: «مکان مفهوم واضحی دارد و همان کیان اجتماعی در روابط بین مردم است و در حقیقت همان کاغذ مرئی است که انسان فرهنگ و فکر و هنر خود را به‌واسطه آن نشان می‌دهد» (النصیر، ۲۰۱۰: ۷۰). گاه دو شاعری که برای تطبیق انتخاب می‌شوند، از نظر ساختار شعری با هم شباهت‌هایی دارند و گاه نیز این شباهت مربوط به محتوا و مضمون شعر آن‌ها است، همان‌گونه که در پژوهش حاضر شاعران برگزیده شده؛ یعنی معروف رصافی و پروین اعتصامی هر دو، اشعار خود را به مضامین مشترکی آراسته‌اند که همان

معضلات و دردهای اجتماعی طبقه پایین جامعه است، افزون بر اینکه هر دو سودای پیشرفت و بهبود جامعه را نیز در سر می‌پروراندند. ناگفته نماند که انگیزه‌گزینش این دو شاعر جهت بررسی اشعار آن‌ها از منظر ادبیات تطبیقی در موارد ذیل خلاصه می‌گردد:

- (۱) جور و ستم و نیز استبداد حاکم بر جامعه و استیلاي خفقان سیاسی و نبودن آزادی در زمینه‌های مختلف؛
 - (۲) هر دو شاعر از کشورهای مسلمان بودند که باتوجه به تعالیم دین اسلام، پاره‌ای اصول عقیدتی در شخصیت آن‌ها شکل گرفته بود؛ از جمله نوع دوستی، توجه به یتیمان و تهی‌دستان، دعوت به مجاهدت؛
 - (۳) رواج شعر در هر دو کشور به‌عنوان راهی جهت بیان افکار و عقاید در زمینه‌های مختلف به‌شمار می‌رود؛
 - (۴) معروف رصافی شاعری عراقی تبار و پروین اعتصامی نیز از شاعران ایرانی پیرو سبک عراقی است، هرچند که آن را با سبک خراسانی در آمیخت و سبکی منحصر به فرد ابداع کرد.
- در ادامه مهم‌ترین مضامین سیاسی و اجتماعی که در شعر این دو شاعر نمود یافته، ذکر و بررسی شده است:

۵.۱. فقر و تنگدستی

اهتمام فراوان به زندگی و سطح معیشت مردم و گرایش شدید به خیررسانی و نیکی باعث شد که دیوان رصافی تجلی‌گاه وسیعی از نمود فقر و تنگدستی و توصیف حال مستمندان شود. ناگفته نماند که این شاعر هرگز از فقر، مشکلات، کمبودها و غصه‌های شخصی خویش دم نزد و در اشعار خود فقط به فقر و معضلات دیگری که سایر اقشار جامعه با آن دست‌وپنجه نرم می‌کردند، پرداخت. وی موضوعاتی را که در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ در جامعه مطرح شده بود، در شعر خود منعکس کرد و مسائل سیاسی روز را وارد زندگی مردم نمود و با به‌تصویر کشیدن مشکلات و معضلات اجتماعی زمانه، مردم را از مهم‌ترین مسائل سیاسی و اجتماعی به‌ویژه مقوله جنبش و پیشرفت و نیز جور و ستمی که به آن‌ها روا می‌شد آگاه کرد» (الخیاط، ۱۹۸۷: ۸۰ - ۸۲). این شاعر به کمک عواطف لطیف و روح انسانی عمیقی که داشت، در برابر این جور و ستم و نابرابری سکوت نکرد» (شکیب انصاری، بی‌تا: ۶۶). بلکه تمام ثروت و دارایی جامعه را نتیجه کار و کوشش طبقه کارگر دانسته و در قصیده «إلی العمال» به این حقیقت اشاره کرده است:

كلّ ما فی البلاد من أموال
لیس إلیا نتیجه الأعمال
إنّ یطب فی حیاتنا الاجتماعیة
عیش فالفضل للعمال
وإذا كان فی البلاد ثراء
فبفضل الإنتاج والإبدال
حیث یسعی الفقیر سعی أجیر
لغنی مستأثر بالغالل

أكثر الناس يكدهون لقوم قعدوا في قصورهم والعلالی

واحدٌ في النعيم يلهو وألفٌ في شقاء وبؤس واعتلال

(رصافی، ۲۰۰۰: ۲۴۹)

ترجمه: هر دارایی و ثروتی که در جامعه وجود دارد، همگی نتیجه کار و تلاش و زحمت (کارگران) است. اگر زندگی اجتماعی ما بسامان و بر وفق مراد است، به فضل اعمال کارگران برای ما فراهم شده است. ثروت (و بهبود وضعیت اقتصادی) نیز در نتیجه تولید و تلاش به دست می آید. آنجا که فقری همچون مزدوران در خدمت انسان ثروتمندی کار می کند که وی را برده مخصوص خود گردانده است. بیش تر مردم برای کسانی خود را به زحمت انداخته اند که در کاخ های سر به فلک کشیده آرمیده اند. یک نفر در نعمت و آسایش به سر می برد و هزار تن در سختی، تنگدستی و بیماری غوطه ور هستند. تصویر شماره ۱ نمونه ای از ترسیم فقر در نقاشی معاصر عراق است.



تصویر ۱. اثر فائق حسن. سال ۱۹۵۶. مأخذ: (جبرا: ۱۹۷۲)

در نمونه فوق، شاعر تمام شرایط مطلوب اجتماعی و آسایش حاکم بر زندگی مردم طبقه بالای جامعه را در نتیجه تلاش بی وقفه طبقه کارگر می داند و بر این باور است که دارایی های ثروتمندان در پرتو زحمت فراوان، اما بی مزد و اجر کارگران به دست آمده است. در ابیات پایانی نیز این نظر را دارد که به دنبال برخورد ناعادلانه ثروتمندان با کارگران و طبقه پایین جامعه است که اقلیت مردم که ثروتمندان و طبقه حاکم هستند، در اوج نعمت و رفاه و آسایش زندگی می کنند، اما تعداد بسیار زیادی از آنها که طبقه کارگر به شمار می روند، در پایین ترین سطح زندگی قرار دارند و با تهی دستی و محرومیت دست و پنجه نرم می کنند. «رصافی» در جای دیگری از دیوان خویش، درباره پایمال شدن حقوق کارگران از سوی حاکمان و طبقات بالادست چنین سروده است:

أرى كلّ ذي فقر لذي كلّ ذي غنى أجيراً له مستخدماً في عقاره
ولم يعطه إلّا اليسير وإنّما على جدّه قامت صروح يساره
ولم يلبس من تذليله العزّ ضافياً وينظره شزراً بعين احتقاره

(رصافی، ۱۹۸۶: ۱۰۰)

ترجمه: هر فقیری را که می‌بینم مزدور و اجیر فرد ثروتمندی است و کارگر خانه‌زاد وی شده‌است. فرد ثروتمند مزد زیادی به وی نمی‌دهد، حال آن‌که آن فقیر برای او کاخ‌های مجلل بنا کرده‌است. با وجود آن‌که فرد ثروتمند مال و دارایی فراوانی دارد، اما برای خوار کردن انسان فقیر، بر وی لباس عزت و فخر نمی‌پوشاند و به دیده اکراه و خواری به وی می‌نگرد.

در این مجال نیز به خدمت تمام‌وقت کارگران برای ثروتمندان اشاره کرده‌است و از کم‌اجر بودن کار آن‌ها و محرومیت این طبقه از حق و پاداش درخور و مناسب خدمتشان گلایه می‌کند. تنگدستی، شرایط سخت معیشتی و عدم ارائه امکانات رفاهی از جمله عوامل تأثیرگذار در سختی معیشت افراد در جامعه ایرانی و عراقی آن دوران بوده‌است که هم رصافی و هم پروین تحت‌تأثیر آن اوضاع سخت قرار گرفته و هریک به‌نوعی به شرح این حالت با شیوه‌های خاص شاعرانه خود پرداخته‌اند.

پروین در شعر زیر به زیبایی تهی‌دستی و فاصله طبقاتی موجود در جامعه را مورد اشاره قرار داده و با ابیاتی نغز این مسأله بغرنج اجتماعی را برای همگان روشن کرده‌است. انباشت ثروت در دست عده‌ای که بره و مرغ می‌خورند و بقیه آحاد جامعه در فقر مطلق به سر می‌برند، تقابل این دو طیف در شعر پروین اعتصامی نمود بارزی دارد که شعر زیر این امر را به‌خوبی نشان می‌دهد:

دی کودکی به دامن مادر گریست زار کز کودکان کوی، به من کس نظر نداشت
طفلی مرا ز پهلوی خود بی‌گناه راند آن تیر طعنه، زخم کم از نیشتر نداشت
اطفال را به صحبت من، از چه میل نیست کودک مگر نبود، کسی کو پدر نداشت

امروز، اوستاد به درسم نگه نکرد
مانا که رنج و سعی فقیران ثمر نداشت

دیروز در میانه بازی ز کودکان
آن شاه شد که جامهٔ خلقان به بر نداشت

من در خیال موزه، بسی اشک ریختم
این اشک و آرزو ز چه هرگز اثر نداشت

جز من، میان این گل و باران کسی نبود
کو موزه‌ای به پا و کلاهی به سر نداشت

آخر، تفاوت من و طفلان شهر چیست
آیین کودکی، ره و رسم دگر نداشت

هرگز درون مطبخ ما هیزمی نسوخت
وین شمع، روشنایی ازین بیش‌تر نداشت

همسایگان ما بره و مرغ می‌خورند
کس جز من و تو، قوت ز خونِ جگر نداشت

بر وصله‌های پیره‌نم خنده می‌کنند
دینار و درهمی پدر من مگر نداشت

(اعتصامی، ۱۳۶۷: ۳۰۹ - ۳۱۰)

همان‌گونه که پیداست، نمایاندن فقر و تنگدستی همراه با درد جانکاه یتیمی از دیگر ویژگی‌های مناظرات پروین است. وی در این دسته از سروده‌های خود، با حالتی تند و پرخاشگرانه به ستمگران زمانهٔ خود می‌تازد و ریشهٔ تمام گرفتاری‌ها و بی‌عدالتی‌ها را در رفتار آن‌ها می‌داند (یزدانی، ۱۳۸۳: ۶۰). تصویر شماره ۲ نمونه‌ای از ترسیم فقر و مبارزه در جامعه ایرانی است.



تصویر ۲. نگارهٔ فقر و مبارزه در دوره پهلوی. نقاش نامشخص

چنان که در این ابیات به روشنی واضح است، بیش تر سخن و سیمای تهی دستی از چشم انداز و افق کودکی است که از طبقات پایین و فقیر جامعه است که پروین اعتصامی به خوبی توانسته است آن‌ها را، آن هم در شعر به نمایش بگذارد. استفاده این چینی از این گونه مضامین و آن هم در قالب و شکل و سبک شعر موزون و قافیه دار سنتی، یک اقدام بی سابقه در دوران این شاعر است؛ جایی که او با نگاه نافذ خود قالب‌های شعر سنتی را در خدمت تصویرسازی و نمایش طبقات یاد شده می‌گیرد و علی‌رغم محدودیت‌های موجود در سبک و سیاق این گونه قالب‌ها، مضامین و مفاهیم نو را به عنوان محتواهایی متفاوت با محتواهای سنتی وارد می‌کند و به شیوایی هرچه تمام‌تر کاربردی که از این قالب‌ها می‌گیرد، آن‌ها را در خدمت مفاهیم مدرن قرار می‌دهد.

کار مشابهی که در آثار رصافی می‌بینیم که در حال انجام شدن است؛ این گونه ادبیات را می‌توان ادبیات گذار نامید، جایی که مضامین و مفاهیم جدید با باز کردن چشم بسیاری از ادیبان و متفکران آن دوران کم کم آن‌ها را متوجه اموری مانند سبک و قالب‌های عروضی سنتی می‌کند و ضرورت گذر از این قالب‌ها به قالب‌های جدیدتر برای نمایش این گونه مضامین را گوشزد می‌کند. چنان که در این دو شاعر نگاه و نقد اجتماعی و مدنظر قراردادن طبقات مختلف اجتماع در تعامل و زندگی روزمره‌شان و همچنین بحران‌های ممکن که امکان داشت با آن‌ها هر بار دست و پنجه نرم کنند که تا پیش از این در ادبیات ایرانی و عربی چندان بارز نبود و به دست این دو شاعر پایه گذاری می‌گردد، چنان که پس از این دو شاعر، موجی از این گونه نگاه‌ها در میان بسیاری از ادیبان و متفکران برای بازگویی بهتر چنین مضامینی ایجاد می‌شود و تأثیرگذاری چنین فراوانی بیش از پیش خود را نمایان و آشکار و البته تعیین کننده برای محافل روشنفکری به نمایش درمی‌آورد.

۵،۲. وطن پرستی

وطن دوستی یکی از مهم ترین مفاهیمی است که از ابتدای تولد در اندیشه و قلب هر انسانی وجود دارد و هر کس به نوبه خود قصد دارد این گرایش درونی را بروز دهد؛ نویسنده با نثر خود، خواننده با صدای خود و شاعر با شعر خود همواره به دنبال راهی جهت ابراز این عاطفه عمیق هستند و در مقابل، هر آنچه را که سبب اختلال و نابودی میهن و خدشه دار شدن احساس وطن پرستی گردد را محکوم می‌کنند و همواره در تلاش هستند که به بهترین شکل دیگران را به این وظیفه خطیر متذکر شوند. در ادبیات معاصر فارسی و عربی نیز به دلیل شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم، احساس میهن دوستی و استبدادستیزی نمود فراوانی دارد.

در روزگار رصافی حوادث متعدد و بی سابقه‌ای در تاریخ عراق به وقوع پیوست از جمله: انقلاب عثمانی، اعلام قانون اساسی، جنگ جهانی اول و برپایی حکومت ملی در سال ۱۹۲۱م شعر رصافی حاوی معانی و مفاهیم بسیار شریف و والایی است؛ وی شعر را به عنوان ابزاری خاص جهت بیان افکار و ایده‌های خود و به عبارتی، حرفه‌ای برای بیان خدمت به مردم و آگاه کردن آن‌ها به کار می‌گیرد (هیئة المعجم، ۲۰۰۲: ۳۵۲). همچنین با آغاز جنگ جهانی اول در سال

۱۹۱۴م و حمله نیروهای انگلیس به بغداد، رصافی همچنان موضع تدافعی خود را حفظ کرد و در قصیده «الوطن والجهاد» مردم را به حمایت از وطن و ایستادگی در برابر دشمن فراخواند (شکیب انصاری، بی تا: ۶۴) و چنین سرود:

یا قوم إنّ العدا قد هاجموا الوطناً فانضوا الصّوارم واحموا الأهل والسکنا

واستنفروا لعدوّ الله کلّ فتیّ ممّن نأى فى أقاصی أرضکم ودنا

واستنکفوا فى الوغى أن تلبسوا أبداً عار الهزيمة حتى تلبسوا الکفنا

(رصافی، ۲۰۰۰: ۶۳۵)

ترجمه: ای قوم (ای مردم) دشمن به وطن [ما] حمله کردند، پس شمشیرها را [از غلاف] بیرون بکشید و از اهل و خویشان و هموطنان خود حمایت کنید. همه جوانان خود را از نقاط دور و نزدیک سرزمین [برای مقابله با دشمن] بسیج کنید. در مبارزه و نبرد با دشمن ابا کنید از این که جامه ننگ و شکست را بر تن کنید تا آن زمان که کفن بر تن می کنید.

وی در این نمونه از هموطنان خود می خواهد که به بهترین شیوه و با به خدمت گرفتن تمام نیروهای انسانی و غیرانسانی راه را بر تجاوز دشمن ببندند و تا آخرین نفس از شرف و ناموس خود دفاع کنند و تحت هیچ شرایطی زیر با جور و ستم نروند. تصویر شماره ۳ نمونه ای از ترسیم ملی گرایی و مبارزه در نقاشی معاصر عراق است.



تصویر ۳. فتح قریب. اثر شاکر حسن السعید. ۱۹۷۵. (مأخذ: جبار جیاد: ۲۰۰۸)

آزادی و وطن‌پرستی یکی دیگر از درون‌مایه‌های شعر پروین است که در دیوان وی نمود بارزی دارد. این شاعر نگران تسلط بیگانگان بر مقدرات کشور است و کوتاه‌ماندن دست وطن‌پرستان از زمام آن هست. در نمونه ذیل پروین می‌کوشد که مردم را به وطن‌دوستی و تلاش برای آزادی و رهایی میهن از زیر سلطه استبداد برانگیزد:

درخت جور و ستم هیچ برگ و بار نداشت اگر که دست مجازات می‌زدش تبری

سپهر پیر نمی‌دوخت جامه بیداد اگر نبود ز صبر و سکوتش آستری

اگر بدمنشی را کشتند بر سر دار به‌جای او ننشیند به‌زور از او بتری

(اعتصامی، ۱۳۶۷: ۳۷۹).

دردها و دغدغه‌های فراوان و کم‌نظیر پروین به مسائل اجتماعی و حتی سیاسی از یک‌سو و عدم سمت‌گیری‌های مشخص و منسجم سیاسی، مذهبی، طبقاتی، حزبی و ایدئولوژیک از دیگر سو، به داورها و دیدگاه‌های متفاوت و گاه متعارضی در تحلیل شعر او از منظر سیاسی و اجتماعی انجامیده است. طبقه‌بندی پیش‌گفته از نظر نسبت شاعران و اشعار آن‌ها با اندیشه‌های سیاسی به سه گروه یا طیف سیاست‌پردازان، سیاست‌گریزان و شاعران متعهد و قراردادن پروین اعتصامی در نخله سوم، شاید توضیحی بر چرایی وجود دیدگاه‌های متعارض پیرامون شعر پروین باشد. در جست‌وجوی مفاهیم و ساحت‌های اصلی اندیشه سیاسی و اجتماعی پروین اعتصامی نیز این مقولات را در شعر او می‌توان یافت: حق‌طلبی، همکاری، اتحاد و اتفاق ستم‌کشان و رنجبران، دفاع از رنج‌دیدگان و ستم‌کشیدگان، نکوهش ستمگران و ظالمان، دفاع از زن، عدالت، برابری، نکوهش جور و ستم و نیز بی‌عدالتی، پرداختن به مقولاتی اجتماعی مانند تهی‌دستی، تبعیض، ستم، اجحاف، ریا، سالوس، تزویر، ارتشا، فساد، رباخواری و دیگر نابسامانی‌ها و ناروایی‌های جامعه در شعر یا هر سخن دیگری اگر چه نقطه عزیمت سخنور برای تعهد اجتماعی و شرط لازم برای متعهد خواندن او است، شرط کافی نیست. تصویر شماره ۴ نمودی از وطن‌پرستی در نقاشی معاصر ایران است.



تصویر ۴. اثر حسین زنده‌رودی. سال ۱۳۵۲. منبع: سایت حراج تهران

۵,۳. استبدادستیزی

معروف رصافی سه دوره سیاسی را پشت سر گذاشت؛ دوره عثمانی، دوره اشغال و دوره پادشاهی؛ وی در تمام این دوران از طریق اشعار خود به دفاع از کرامت و ارزش‌های انسانی پرداخت و به مبارزه با جور و ستم و تجاوز پرداخت و مردم را به عدالت و صلح فراخواند و با دعوت آن‌ها به انقلاب و سرکشی بر علیه حاکمان خارجی یعنی پادشاهان عثمانی و بریتانیایی که غاصبان واقعی حقوق قانونی مردم بودند، به مبارزه با آن‌ها پرداخت. در عهد سلطان «عبدالحمید» بنا به دلایل سیاسی و اقتصادی اوضاع داخلی و خارجی کشور آشفته شد و این شاعر در برابر استبداد و سیاست استبدادی و زورگویانه‌ای که حاکمان وقت در پیش گرفته بودند، موضع‌گیری شدیدی کرد؛ وی مردم را از خواب غفلت بیدار کرد و از جور و ستم طبقه حاکم آگاه ساخت و خود پیشوای دعوت مردم به آزادی و زبان‌گویای آن‌ها در مبارزه بر علیه جور و ستم و سرکشی طبقه حاکم گشت (شکیب انصاری، بی‌تا: ۶۱). وی در قصیده «تنبیه النیام» پیرامون دعوت مردم به بیداری و ایستادگی در برابر جور و ستم حاکمان چنین سروده‌است:

أما أن أن يغشى البلادَ سعودها ويذهب عن هدى النيام هجودها

أما أسدٌ يحمى البلادَ غضنفرٌ فقد عاث فيها بالمظالم سیدها

برئتُ إلى الأحرار من شرّ أمّة أسيرة حكام ثقال قيودها

جری الجور منها فی بلاد وسیعہ فضاقت علی الأحرار ذرعاً حدودها

عجبتُ لقومٍ يخضعون لدولةٍ يسوسهم بالموبات عميدها
 وأعجبُ من ذا أنهم يرهبونها وأموالها منهم ومنهم جنودها
 بنی وطنی ما لی أراکم صبرتم علی نوب أعیاء الحصاء عديدها

(رصافی، ۲۰۰۰: ۱۵۶)

ترجمه: برای مطالعهٔ بیش‌تر نگاه کنید به قصیدهٔ «آل السلطنة» که شاعر در آن، فاصلهٔ طبقاتی و بی‌عدالتی را به‌تصویر کشیده‌است. آیا وقت آن نرسیده‌است که خوشبختی و سعادت، کشور را دربرگیرد و خفتگان از خواب غفلت بیدار شوند؟ آیا شیر دلاوری وجود ندارد که از سرزمین دفاع کند، حال‌آنکه گرگ‌ها به فساد و تبهکاری مشغول هستند؟ از دست ملّتی که در چنگ حاکمان زورگو (و قانون‌گذاران سخت‌گیر) اسیر است، به آزادگان پناه می‌برم و اظهار بیزاری می‌کنم. از جانب دشمنان این سرزمین وسیع، جنایت‌هایی به آن وارد شده که هر ذراع از مرزهای آن برای آزادگان به‌منزلهٔ تنگنایی سخت است. در شگفتم از مردمی که در برابر دولت و حکومتی با چنین رهبران فاسد، سر تسلیم و خشوع فرود آورده‌اند و شگفت‌تر این‌که این قوم از آن حکومت می‌ترسند، درحالی‌که هم سربازان و هم اموال خود را در اختیار این حکومت قرار داده‌اند. هم‌وطنان من، چه شده‌است که شما در برابر این مصیبت و سختی، شکیبایی پیشه کرده‌اید؟

در ابیات فوق شاعر از این‌که مردم زیر بار جور و ستم دشمنان رفته و در چنگال آن‌ها اسیر شده و تن به قبول ذلت و خواری داده‌اند، اظهار ناخرسندی و حیرت می‌کند. وی پذیرش جور و ستم از سوی مردم را امری بسیار عجیب دانسته و از این‌که آن‌ها خود نیز با این کارها به اعمال جور و ستم و نیز زور حاکمان دامن می‌زنند، بسیار شگفت‌زده و اندوهگین است و به حال چنین ملّتی تأسف می‌خورد. رصافی در شعرهای خود به‌صورت آشکار به ابراز دشمنی با ستمگران وقت و به‌ویژه حکومت عثمانی می‌پرداخت و در سال ۱۹۳۷م قصیده‌ای به نام «إلی أولی الأمر» سروده که پس از عنوان قصیده، عبارت «قال یخاطب رجال الحکومة ببغداد» که در این قصیده، به‌شدت به رجال حکومتی تاخته (الخیاط، ۱۹۸۷: ۷۵) و چنین سروده‌است:

یا مبعدی بظمٍ عن مراتبکم وقاطعین إلی ما أبتغی طرقي

(رصافی، ۲۰۰۰: ۶۷۸)

ترجمه: ای کسانی که با ستم خود، من را از رسیدن به جایگاه خودتان باز می‌دارید و راه من را در رسیدن به اهدافم سد می‌کنید.

در اینجا نیز رصافی آشکارا به جور و ستم طبقه حاکم و اینکه مانع پیشرفت و تعالی وی شده‌اند، اشاره کرده‌است. شایان ذکر است که ازجمله برنامه‌های اصلاحی رصافی برای استبدادستیزی، دعوت به آزادی زنان و مشارکت آن‌ها با مردان در امور زندگی و نیز دادن آزادی به آن‌ها در زمینه انتخاب همسر بود که در این باره چنین سروده‌است:

ظلموک أيتها الفتاة بجهلهم إذا أكرهوك على الزواج بأشيبا

طمعوا بوفر المال منه فأخجلوا بفضول هاتيك المطامع أشعبا

إنّ الكريمة في الزواج لحرّة والحرُّ يأبى أن يعيش مذبذبا

قلبُ الفتاةِ أجلّ من أن يُشترى بالمال لكن بالمحبّة يُجتبى

وإذا الزواجُ جرى بغير تعارفٍ وتحبّبٍ فالخير أن نترهبّا

(رصافی، ۲۰۰۰: ۴۶۷)

ترجمه: ای دختر جوان [خانواده و اطرافیانت] با نادانی خود بر تو ستم روا داشتند، آن‌گاه که علی‌رغم میل درونی‌ات تو را مجبور به ازدواج با فردی سالخورده کردند. آن‌ها چشم طمع به مال فراوان آن فرد دوخته بودند و آن‌گاه به سبب حرص و آز خود، شرمسار گشتند. دختر کریم‌الخلق و کامل‌العقل در امر ازدواج آزاد و مختار است و فرد آزاداندیش از این‌که بخواهد در حالت سرگشتگی و حیرانی زندگی کند، ابا و امتناع دارد. قلب دختر جوان ارزشمندتر از آن است که بتوان با پول آن را خرید و تنها با محبت و مهربانی است که می‌توان مالک قلب وی شد. آن‌گاه که ازدواج بر خلاف سنت معمول و معیارهای عقلی صحیح صورت گیرد و بر پایه محبت نباشد، بهتر است که از آن بر حذر باشیم.

در این ابیات وی بر آزادی زنان در مورد تصمیم‌گیری در امر مهم و خطیر ازدواج تأکید کرده و ضمن تأسف خوردن بر وضع حاکم بر جریان ازدواج در آن روزگار که بیشتر خانواده‌ها به دلیل تهی‌دستی یا سطح فکری پایین، دختران خود را به ازدواج با افراد مسن و صرفاً ثروتمند مجبور می‌کردند، به مردم متذکر می‌شود که دختران را باید در انتخاب همسر آزاد و دارای اختیار دانست و نقش محبت و عاطفه دوجانبه را در این تصمیم‌گیری نباید فراموش کرد؛ چراکه در غیر این صورت اساس زندگی بسیار سست و متزلزل خواهد شد.

پروین، جور و ستم را نتیجه سستی آحاد جامعه می‌داند و می‌گوید که اگر مردم بر رنج و ستم صبر و سکوت نمی‌کردند مستبد به ظلم خود ادامه نمی‌داد. تصویر شماره ۵ و گرایش به خرافات و تقدیر در نقاشی معاصر نمودی از سستی در جامعه دوره قاجار و پهلوی است.



تصویر ۵. رمال و زنان. اثر کمال‌الملک. ۱۲۷۱ ش.

در این شعر، پروین بر نتابیدن جور و ستم را وظیفه تمام شهروندان جامعه می‌داند و به‌طور ضمنی از همه دعوت می‌کند که برای مبارزه با ستمگران باید از خود شروع کرد و آن را وظیفه همگانی می‌داند. همچنین وی تحت‌تأثیر جنبش‌ها و تحولات فکری زمان خود قرار گرفته بود و تلاش می‌کرد که با دگرگونی‌هایی که در اجتماع رخ می‌داد همراه شود و سهمی در آن‌ها داشته باشد، اما حکومت مستبد آن زمان به او اجازه نمی‌داد که به‌صورت آشکارا تمام سخن خود را بیان کند (یزدانی، ۱۳۸۳: ۶۲)؛ زیرا آن‌ها که با مبارزه برای آزادی و علیه اختناق سیاسی پرداختند، سرنوشتی شوم انتظارشان را می‌کشید؛ به‌عنوان نمونه عارف شاعر ملی، به انزوای تبعید پناه برد، سید اشرف‌الدین حسینی که شاعری مردمی بود را مجنون معرفی کردند و به تیمارستان شهر نو بردند، عشقی را در خانه‌اش ترور کردند و دهان فرخی یزدی را به جرم وصف آزادی دوختند (طباطبایی اردکانی، ۱۳۷۶: ۹۳). پروین که از شرایط سخت سیاسی آن روز خبر داشت، چاره‌ای نداشت جز اینکه به‌صورت غیرمستقیم و در پرده‌ای از ابهام به دفاع از حقوق زن بپردازد و زیرکانه قصد داشت که به هم‌جنسان خود بفهماند که دست از مبارزه برندارند و در برابر جور و ستم دیگران سکوت نکنند» (یزدانی، ۱۳۸۳: ۶۳). وی با استفاده از فن مناظره که در جای‌جای دیوان وی به‌کار رفته، در ضمن بیان گفت‌وگوی یک برزگر و فرزندش بخشی از جور و ستم حاکمان و صاحبان مناصب عالی را به‌تصویر کشیده‌است:

برزگری پند به فرزند داد کای پسر این پیشه پس از من تو راست

مدت ما جمله به محنت گذشت نوبت خون خوردن و رنج شماست

کشت کن آنجا که نسیم و نمیست	خرمی	مزرعه	ز	آبوهواست
تجربه می‌بایدت اول، نه کار	صاعقه	در	موسم	خرمن بلاست
گفت چنین، کای پدر نیک‌رای	صاعقه	ما	ستم	اغنیاست
پیشه آنان همه آرام و خواب	قسمت	ما، درد و غم و	ابتلاست	
دولت و آسایش و اقبال و جاه	گر حق آن‌هاست،	حق	ما کجاست	
قوت، به خوناب جگر می‌خوریم	روزی	ما، در	دهن	اژدهاست
ما فقرا از همه بیگانه‌ایم	مرد غنی،	با	همه‌کس	آشناست
مردم این محکمه، اهریمن‌اند	دولت حکام،	ز	غصب و رباست	
لاشه خوراندند و به آلودگی	پنجه	آلوده‌ی	ایشان	گواست
خوابگه آن را که سمور و خز است	کی	غم	سرمای	زمستان ماست

(اعتصامی، ۱۳۶۷: ۲۷۹ - ۲۸۱)

در ابیات فوق، وضع ناگوار کشاورز ایرانی با بیان روشنی ترسیم و تبیین شده‌است. این نخستین بار است که در چنان محیط آلوده، سخنی متهورانه آن هم بر زبان یک زن شاعر جاری می‌شود و این واقعه‌ای است که در ادبیات ایران سابقه نداشت. در این قطعه، برزگری به فرزند خود پند می‌دهد که همانند پدران خود به کار کشاورزی بپردازد و در ضمن دادن یک سری دستوره‌های عملی، به بلای صاعقه در موسم خرمن اشاره می‌کند، ولی فرزند سخن پدر را بریده و با بیانی پر از غم و اندوه حرف دل خود را می‌زند (آرین‌پور، ۱۳۸۲: ۵۴۳). بیان این سخن از زبان یک زن در چنان زمانه‌ای که کسی جرأت نداشت از واقعیت‌ها بگوید، کمی عجیب به نظر می‌رسد؛ برای همین است که «ی.ا. برتلس» یکی از ادیبان و ایران‌شناسان، پس از مطالعه دقیق دیوان پروین، چنین نوشت: برای اولین بار در شعرهای او بیانی

جسارت‌آمیز و واقعی نمودار شده‌است و این شعرها برای اینکه از دهان زنی بیرون می‌آید، پدیده‌ای نوظهور است. همچنین «گ. پ. میخالویچ» ایران‌شناس روسی، پروین را شاعری آزادی‌خواه، ستم‌ستیز و مدافع آتشین حقوق محرومان و زنان می‌داند (طباطبایی اردکانی، ۱۳۷۶: ۴۰). این شاعر برای اینکه بتواند سخن خود را بی‌کم‌وکاست بیان کند، از همه‌چیز و همه‌کس کمک می‌گیرد و حتی دست به دامان پدیده‌های بی‌جان می‌شود و با خیال‌پردازی و نکته‌سنجی، سخن خود را می‌گوید» (یزدانی، ۱۳۸۳: ۵۷ - ۵۸).

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین نتایجی که از خلال مقایسه اشعار معروف رصافی و پروین اعتصامی و انعکاس آن در نقاشی معاصر به دست آمد، حاکی از آن است که هر دو شاعر به برشمردن نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های حاکم بر جامعه و جور و ستمی که بر طبقات محروم وارد می‌شد، پرداختند و شعر خود را آینه‌ای برای انعکاس زندگی سراسر رنج و درد مردم سرزمین خود قرار دادند؛ در نهایت، شعر آن‌ها مانند فریادی درآمد که تهی‌دستی و ثروت، مظلومیت و استبداد، محرومیت طبقه ضعیف و رفاه طبقه حاکم را در جامعه طنین‌انداز کرد. رصافی و پروین هر دو با دیدی حسّاس و دقیق به مسائل جامعه زمان خود نگریستند و صلاح و فساد مردم را در قالب شعر به تصویر کشیدند و به‌خوبی وظیفه خود را در قبال جامعه انجام دادند و نقش اصلاح‌گرانه خود را به بهترین شکل ایفا کردند. از مهم‌ترین مؤلفه‌های اجتماعی که دو شاعر مذکور در دیوان خود به‌کرات مورد بررسی قرار دادند و بر اهمیت و لزوم توجه به آن‌ها تأکید کردند، می‌توان فقر و تنگدستی، وطن‌پرستی و استبدادستیزی را نام برد. ناگفته نماند که هر دو شاعر نهایت تلاش خود را برای آگاهی مردم بر ستمی که از جانب طبقه حاکم بر آن‌ها وارد می‌شود مبذول داشتند و حتی در پاره‌ای موارد از طریق ارائه راه‌کارهای مناسب تلاش می‌کردند راه پیشرفت را برای آن‌ها هموار سازند. در رابطه با گرایش این دو شاعر به انعکاس مضامین سیاسی و اجتماعی مذکور باید گفت معروف رصافی خود از خانواده‌ای فقیر برخاسته بود و از همان آغاز زندگی با تهی‌دستی و پیامدهای آن آشنایی کامل داشت، علاوه بر اینکه اوضاع سیاسی و اجتماعی سراسر خفقان و جهلی که در آن زمان بر عراق حاکم شده بود، سبب گرایش وی به ادای این وظیفه از طریق شعر شد، اما در مورد «پروین اعتصامی» باید گفت وی زندگی را در جوی مرفه و در دامان خانواده‌ای روشنفکر و اهل ادب آغاز کرده بود، اما شاید بتوان گفت اسباب گرایش وی به انعکاس مضامین اجتماعی و مسائل روز جامعه در شعر، یکی عنصر جنسیت وی یعنی همان زن بودن و برخوردار بودن از روحیه لطیف و حساس باشد و دیگری رفت‌وآمد وی به مجالس شعر و ادب و دیدار با ادیبان بزرگ آن زمان و نیز مطالعه آثار شاعران بزرگی مانند سعدی و ناصر خسرو باشد که تعداد بسیار زیادی از اشعار خود را به مقوله تعلیم و تربیت، اخلاق و پند و اندرز آذین بسته‌اند. به‌طور کلی می‌توان گفت که هرچند مضامین سیاسی در شعر پروین اعتصامی بیش‌تر به چشم می‌خورد و به‌صورت مستقیم به جور و ستم و بینوایان ارتباط دارد، اما معروف رصافی بیش‌تر به روحیات و درون انسان‌ها پرداخت و دغدغه وی ارتباط غیرمستقیم با خود فرد بود، اما در مجموع، مضامین مشترک سیاسی معروف رصافی و پروین اعتصامی خیلی به هم نزدیک است.

منابع

کتابها

- آرین پور، یحیی. (۱۳۸۲). از نیما تا روزگار ما، چاپ چهارم، تهران: انتشارات زوآر.
- اعتصامی، پروین. (۱۳۶۷). دیوان، چاپ سوم. تهران: انتشارات ایران.
- رّصافی، معروف عبدالغنی (۱۹۸۶) الدیوان. بیروت: دارالعودة.
- _____ (۲۰۰۰) الأعمال الشعریة الكاملة. بیروت: دارالعودة.
- جبار جیاد، سلام. (۲۰۰۸). الرياده الجماليه في الرسم العراقي الحديث. جامعه بغداد و شهاده الدكتوراه الفنون التشکيليه.
- جبرا، جبرا ابراهيم. (۱۹۷۲). الفن العراقي معاصر. مهرجان الواسطی. بغداد وزاره الاعلام.
- جمال الدين، محمدسعید. (۱۳۸۹). ادبيات تطبیقی، ترجمه: سعید حسامپور و حسین کیانی، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- جیوسی، سلمی الخضراء. (۲۰۰۷). الاتجاهات والحركات في الشعر العربي الحديث. بیروت: مركز دراسات الوحدة العربیة.
- خیاط، جلال (۱۹۸۷) الشعر العراقي الحديث (مرحلة و تطور)، الطبعة الثانية، بیروت: دار الرائد العربي.
- ضیف، شوقی. (۱۹۵۹). دراسات في الشعر العربي المعاصر. القاهرة: مكتبة مصر.
- طباطبایی اردکانی، محمود. (۱۳۷۶). یادمان پروین، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- الفاخوری، حنا. (۱۹۸۶). الجامع في تاريخ الأدب العربي، بیروت: دارالجيل.
- گویارد، ام. اف. (۱۳۷۴). ادبيات تطبیقی. ترجمه علی اکبر خان محمدی، تهران: انتشارات پازنگ.
- التصیر، یاسین. (۲۰۱۰). الروایة والمكان: دراسة المكان الروائی، الطبعة الثانية، دمشق: دار نینوی.
- نیممی، حسین. (۱۳۶۲). جاودانه پروین اعتصامی و برگزیده آثارش. تهران: انتشارات کتاب فرزانه.
- الوائلی، ابراهیم. (۱۹۷۸). الشعر السياسي العراقي في القرن التاسع عشر. الطبعة الثانية، بغداد: مطبعة المعارف.
- هیأه المعجم. (۲۰۰۲). معجم البابطين للشعراء العرب المعاصرين. الطبعة الثانية، کویت: مؤسسه جازة عبدالعزيز سعود البابطين للإبداع الشعري.
- یزدانی، زینب. (۱۳۸۳). پروین اعتصامی (مشاهیر ایران ۹). چاپ دوم، تهران: انتشارات تیرگان.
- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۷۵). چون سبوی تشنه. چاپ دوم، تهران: انتشارات جامی.

مقالات

- خالص، صلاح. (۱۹۵۹). «الرصافی»، مجله الثقافة الجديدة، العدد الثامن، ۲۵-۵.
- خلوصی، صفاء. (۱۹۶۱). «النجسیة وازدواج الشخصیة عند الرصافی»، مجله المعرفة، العدد السابع، ۱۹-۱.
- شکيب انصاری، محمود. (دون تاریخ). «الالتزام في شعر محمود عبدالغنی الرصافی الشاعر العربي المعاصر»، مجله ادبيات و علوم انسانی، ۷۴-۵۶.